در مسئلۀ طبیعت

هواللّه

ای ثابت بر پیمان نامهٴ شما رسید مضمون بسیار عجیب زیرا این شبهات تازه اشتهار نیافته قرون و اعصار متوالیه است که در اروپا این زمزمه بلند است و همچنین در قرون اولی در آسیا انتشار داشت ولی در هر عهد قوّهٴ نافذهٴ کلمة اللّه بنیان این شبهات برانداخت و نور مبین مانند آفتاب اشراق نمود چه که ادلّه و براهین این بیخردان اوهن از بیت عنکبوت و در نهایت سستی و ضعف مشهود هرچند غافلان ایران متابعت مادّیّون فرنگیان خواهند و پیروی طبیعیّون اروپ تقلید آرزو دارند ولی از قواعد و اصول آنان بیخبرند و از ادلّه و حجج و موضوع و محمول ایشان بی‌اطّلاع اروپائیان در مذهب طبیعی بحسب فکر و آرای خویش محقّقند ولی طبیعیّون ایران مقلّد لهذا با فرنگیان در این مسئله مباحثه و بیان آسان زیرا بقاعده و دلیل صحبت میدارند و انسان بقاعده جواب میدهد ولی با این مقلّدان ایران بسیار مکالمه مشکل است زیرا آنچه میگویند صرف مدّعاست نه دلیل و نه برهان مثلاً مسئلهٴ عناصر نچنین است که ایرانیان میگویند علمای طبیعیّون این مسئله را چنین ترتیب میدهند و بر این اساس جمیع مسائل طبیعیّه را تأسیس مینمایند زیرا این اصل مذهب آنان است و مسائل دیگر بتمامها فروع و آن اینست که در عالم وجود عناصر بسیطه هر یک جزء واحد است و قابل تجزّی و تفصیل نیست و جمیع کائنات ترکیب این عناصر مفرده یعنی مرکّب از اجزاء متنوّعه‌اند یعنی عناصر بسیطه را تشبیه بحروف نمایند و حروف تجزّی نشود مثلاً الف مفرد است این را از هم تجزّی نتوان نمود امّا کائنات سائره بمنزلهٴ کلمه‌اند که مرکّب از حروف متعدّده‌اند کلمه را تفصیل و تجزّی توان نمود باری گویند که چون در جمیع موجودات ملاحظه نمائی واضح و مشهود است که این عناصر بسیطه بصور نامتناهیه منحلّ و ترکیب شده است و هر ترکیبی کائنی از کائنات موجوده و چون این ترکیب تحلیل گردد عدم نسبی و اضافی تحقّق یابد زیرا عدم محض را مستحیل و محال دانند مثلاً گویند اجزائی ترکیب شده است و از آن ترکیب انسان تحقّق یافته چون این ترکیب تحلیل گردد این هیکل بشری از میان برود ولی آن اجزاء اصلیّه و عناصر فردیّه باقی و برقرار است پس تحقّق کائنات از ترکیب است و تشتّت موجودات از تحلیل و این ترکیب و تحلیل متتابع و مترادف و مستمرّ در این صورت چه احتیاج بحیّ قدیر این خلاصهٴ برهان آنان و دلیلشان بزعمشان واضح و عیان در وقت بحث این مسئله را تأسیس نمایند چون این مسئله مبنی بر قواعد و اصول است لهذا جواب آسان و بکمال اختصار بیان بطلان این قضیّه میتوان نمود چنانچه با فلاسفهٴ اروپ و امریک بتکرار این مسئله در میان آمد و بچند کلمه جواب قناعت نمودند و تسلیم کردند در جواب گفته شد که این ترکیب که اسّ اساس وجود و سبب حیات کائنات است از اقسام ثلاثهٴ ترکیب کدام یک است زیرا ترکیب سه قسم است یا تصادفی است یا لزوم ذاتی و یا ارادی یعنی تحت ارادهٴ الهیّه اگر بگوئیم ترکیب کائنات تصادفی است معلول بی‌علّت لازم آید و این ممتنع و محال است که معلول بی‌علّت تحقّق یابد بطلان این قضیّه بدیهی است و اگر این ترکیب لزوم ذاتی است در این صورت تحلیل ممتنع و مستحیل ابدیّت و سرمدیّت از لوازم ذاتیّهٴ آن این هم که نیست پس چه ماند ترکیب ارادی یعنی بارادهٴ حیّ قدیم هذا هو الحقّ و ما بعد الحقّ الّا الضّلال المبین و در این مورد در سؤال و جواب مس بارنی بحثی دقیق در این قضیّه گردیده

 و امّا تفاوت بین نفوس و پستی و بلندی و برتری و بهتری بدان که فلاسفه در این مسئله بر دو قسمند قسمی بر آنند که این بهتری و برتری و تفاوت بین بشر در اصل خلقت است و باصطلاح آنها از مقتضای عالم طبیعت است و گویند که تفاوت بین نوع واضح است که طبیعی است مثلاً نوع اشجار تفاوت و امتیازشان طبیعی است و حیوان نیز تفاوت طبیعی را دارد حتّی در جماد نیز تفاوت طبیعی است یکی معدن سنگ است و دیگری معدن لعل پر آب و رنگ یکی صدف است و دیگری خزف و قسم دیگر از فلاسفهٴ قدما بر آنند که تفاوت بین بشر و امتیاز عقول و هنر از تربیت است زیرا شاخ کج بتربیت راست گردد و درخت بی‌ثمر بیابانی بستانی شود و پیوند گردد و بارور شود و شاید تلخ است شیرین شود میوه‌اش صغیر است کبیر گردد و لذّت و حلاوت یابد و برهان اعظم‌شان این است که زنگیان افریک قاطبه وحشی و نادانند و متمدّنان امریک قاطبه دانا و هوشمند و این واضح است که تفاوت این دو فرقه مبنی بر تجربه و بتربیت است این قول فلاسفه و حکماست ولی انبیا بر آنند که در اصل فطرت تفاوت مسلّم است و مبرهن و فضّلنا بعضکم علی بعض قضیّه‌ئی محتوم و معلوم البتّه نفوس بشر در اصل فطرت مختلفند اگر اطفالی معدود از یک پدر و یک مادر در مکتب واحد بتعلیم واحد و بتربیت واحده و به غذا و طعام واحد پرورش یابند بعضی بنهایت علم و درایت رسند و بعضی متوسّط باشند و بعضی بهیچ وجه تعلیم نگیرند پس معلوم شد که تفاوت در بین بشر از تفاوت مراتب و خلقت است و همچنین تعلیم و تربیت را نیز تأثیری عظیم مسلّم و مقرّر دانند مثلاً اگر طفل از دبستان محروم ماند البتّه جاهل و نادان ماند و معلوماتش محصور در اکتشافات خویش باشد و چون نزد ادیب دانا تحصیل علوم و معارف نماید بر اکتشافات هزاران نفوس از بشر اطّلاع یابد پس تعلیم اهل ضلالت را سبب هدایت شود و کوران را علّت بینائی گردد بیخردان را دانا کند بیحاصلان را سبب بزرگواری شود انسان ابکم را ناطق کند و فجر کاذب را صبح صادق نماید دانهٴ صغیر را نخل باسق نماید و عبد آبق را ملیک فائق فرماید لهذا البتّه تربیت تأثیر دارد و نظر باین حکمت است که مظاهر غیب احدیّت و مطالع رحمانیّت در عالم بشریّه مبعوث گردند تا نوع انسان را بنفحات قدس تربیت نمایند و طفل رضیع را رجل رشید کنند محرومان ناسوت را محرمان لاهوت گرداند و بی‌نصیبان را بهره و نصیب دهد ای ثابت بر پیمان رسالهٴ ترتیب مس بارنی را که در اروپا طبع شده است از طهران بطلبید در این مسئله و شبهات دروین فیلسوف انگلیس که مقتدای طبیعیّون اروپست مفصّل مخاطباتی شده است

 امّا عبارتی که مرقوم فرموده بودید عناصر محسوسه را موجد و مولد اشیای موجوده دانند پس در این صورت عناصر که موجد و مولدند هر یک از الهه هستند چه که ایجاد صفت اله است در این صورت طبیعیّون ایران معتقد بالهه هستند ولی الههٴ متعدّدهٴ غیر متناهیه ملاحظه نمائید که بیان چگونه مشوّش است ولی طبیعیّون اصلیّون اروپ چنین نگویند بر آنند که عناصر بسیطه بصور نامتناهیه ترکیب گردد و هر صورتی کائنی از کائنات شود و چون تحلیل یابد آن کائن عدم اضافی یابد

 و امّا مسائل دیگر که بحث و نقل از طبیعیّون نموده بودید که فرد اکمل در نوع بشر دارای کمالات نامتناهیه است و از شدّت ذکا و فطانت کشف اسرار کائنات نماید و از هزار سال بعد خبر دهد این مانند دانه‌افشانی است که مرغان معصوم را شکار کنند و مقصدشان اینست که باین وسائل در بدایت با متدیّنین باللّه محاوره و مجالست و مؤانست نمایند تا کم‌کم از صراط مستقیم منصرف کنند

 ای احبّای الهی باید هر یک در این مسائل چنان ملکه حاصل کنید که بقوّهٴ برهان انبیا و رسل الهی نادانان و نوهوسان را لسان قطع نمائید زیرا انبیای الهی نفوس مقدّسهٴ عالم انسانی و امّا مادون ایشان اسیر و مفتون طبیعت و شیطان نفسانی البتّه مظاهر رحمانی غالب بر تماثیل حیوانی گردد و انذارات جمال مبارک بملوک ارض بنهایت صراحت بدون تأویل است و احتیاج تفسیر ندارد در اثبات قوّهٴ قدسیهٴ ما ورآء الطّبیعه برهان کافی وافی است سور ملوک را مطالعه نمائید و خطابهای شدید را دقّت کنید و انذارات عظیمه را ملاحظه نمائید و خطاب یا ایّتها النّقطة الواقعة بین البحرین را تمعّن فرمائید و خطاب به طهران را نیز اندک ملاحظه کنید و خطاب بسواحل نهر رین را از نظر بگذرانید و تطبیق بوقوعات حاصله کنید که جمیع این انذارات در مدّتی قلیله تحقّق یافت آیا بادراک بذکاء طبیعی کشف این وقوعات مهمّه در اندک زمان پیاپی ممکن است و تحقّق این وقوعات در ایّام قلیله تصوّر میشود لا واللّه مگر آنکه بقوّهٴ ملیک مقتدر تحقّق یابد و بکلمهٴ نافذه‌اش مجری کند و از پیش خبر دهد فرصتی نیست والّا از این مفصّلتر مرقوم میشد و علیک البهآء الأبهی ع ع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۹ اوت ۲۰۲۳، ساعت ۴:۰۰ بعد از ظهر